



## اعتبار سنجی محتوایی و سندی احادیث طبی کتاب طب النبی مستغفری

دریافت مقاله: ۹۴/۴/۲۵ پذیرش مقاله: ۹۴/۲/۱۱

### چکیده

**سابقه و هدف:** اشارات پیشوایان اسلام از طب باعث شد که مسلمانان به علم پزشکی روی آورده و در این باره کتبی تالیف نمایند. یکی از کهن‌ترین آن، طب النبی مستغفری است. هدف این مقاله بررسی سندی و دلالی احادیث طبی کتاب مزبور و نیز تطبیق داده‌های آن با یافته‌های علم پزشکی می‌باشد.

**مواد و روش ها:** از نوع تحقیق کیفی توصیفی- تحلیلی می‌باشد و شیوه جمع‌آوری مطالب بر اساس شیوه کتابخانه‌ای و جستجو در احادیث پزشکی کتاب طب النبی بوده و آنگاه آموزه‌های حديثی بر اساس داده‌های علم پزشکی تجزیه و تحلیل تطبیقی شد.

**یافته ها:** یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که احادیث کتاب طب النبی مستغفری در چهار بخش مرتبط به آداب خوردن و آشامیدن، معرفی مطعومات و مشروبات مناسب سلامت جسم، پیشگیری از بیماری و انجام درمان قابل بهره‌برداری است. نیز بررسی دلالی احادیث مزبور نشان می‌دهد که آموزه‌های حديثی در عرصه‌های چهارگانه فوق منحصر به عصر نوی نیست، بلکه قابل تعمیم در ازمنه و امکنه گوناگون می‌باشد و در این عصر نیز می‌توان از آن برای ارتقاء سلامت و درمان جامعه بهره جست.

**نتیجه گیری:** طالعه حاضر نشان می‌دهد که احادیث درمانی در خصوص استشفا به عسل، شیر، لبجیر، زیتون و ... از لحاظ سند و دلالت مورد وثوق و پذیرش می‌باشد و یافته‌های علمی هم آن را تایید می‌کند.

**وازگان کلیدی:** تحلیل سند، تحلیل محتوا، احادیث طبی، طب النبی مستغفری

سید حسین حسینی کارنامی (PhD)<sup>۱</sup>

۱. گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

نویسنده مسئول: سید حسین حسینی کارنامی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

تلفن: +۹۸ ۱۱ ۳۳۵۴۳۶۱۵

فاکس: +۹۸ ۱۱ ۳۳۵۴۳۶۱۵

Email: hosin.hosini@gmail.com

### مقدمه

امروز دانشمندانی مانند «مستر داز انگلیسی» با شکفتی می‌گوید که این سخن محمد (ص) اساس و پایه‌ای است که علم بهداشت بر آن بنیان گذاردش شده است و پژوهشکان امروز با تمام مهارتی که دارند نمی‌توانند سخنی گرانبهای از آن بگویند<sup>(۱)</sup>. می‌توان گفت که آنچه از قرآن و نیز پیامبر اسلام (ص) درباره طب روایت شده بهترین علاج بیماری‌ها است چون آن حضرت این سخنان را از کسی استفاده کرده که بیماری و دوا را پدید آورده و مرض و شفا را مقدر کرده است. نیز امام رضا (ع) فرمود: «انا وجدنا ان ما اهل الله فقيه صلاح العباد و بقاءهم لهم اليه الحاجة و وجدنا المحرم من الاشياء بالعباد اليه و وجدنا مفسدا ...»<sup>(۲)</sup>; علت اینکه خداوند استفاده و مصرف برخی از مواد غذایی را برای بندگان حلال و بلامانع شمرده، همانا به جهت اسیاب سلامتی و حیات و نیاز بدن به آن بوده است، چه اینکه علت استفاده و مصرف برخی از مواد غذایی را تحریم و منع نموده به خاطر این است که اثرهای مخرب به بدن دارد و ضرورت و نیاز به مصرف آن نیست<sup>(۳)</sup>. نیز نقل شد که بدن مانند یک زمین و بستر پاک می‌باشد و وقی آن زمین را آباد کردی و آبیاری نمودی و به میزانی که نیاز دارد آب دهی، مسلمان آن زمین آباد می‌ماند و زراعت آن زیاد می‌شود و محصول آن خوب و پاکیزه می‌شود و اگر از عرمان و آیادانی آن غلت ورزیدی آن زمین فاسد می‌گردد و علف و گیاهی در آن نمی‌روید. بدن نیز مانند این زمین است که باید در غذا دادن و آب دادن به آن تدبیر به کار رود و وقتی بدن را با غذا و آشامیدنی‌های گوارا تغذیه و مراقبت کردی سالم می‌ماند و همه اعضای آن وظایف خود را به خوبی انجام

هر چند قلمرو و گستره بحث تغذیه و بهداشت یک بحث طبی است، اما در قرآن به صورت استطرادی بدان پرداخته شد. یکی از مهم‌ترین آیات در این عرصه آیه «كُلُوا وَ اشْرُبُوا وَ لَا تُسُرُّفُوا» است که به رعایت تعادل در خوردن و آشامیدن فرمان می‌دهد که مهم‌ترین اصل در پیشگیری به شمار می‌آید. نیز آیه «فَلَيَنْظُرُ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِه»<sup>(۴)</sup> که انسان را مکلف می‌کند به غذایی که می‌خورد درست بنگرد و در آن تحقیق کند؛ زیرا بدن انسان مانند زمین است که باید در غذا دادن و آب دادن به آن تدبیر به کار رود و وقتی بدن را با غذا و آشامیدنی‌های گوارا تغذیه و مراقبت کرده سالم می‌ماند و همه اعضای آن وظایف خود را به خوبی انجام می‌دهند<sup>(۵)</sup>. بنابراین، شناخت تغذیه سالم و پاک از منظر وحی در پیشگیری و درمان، امری مهم و ضروری است. این موضوع در مجتمع حديثی نیز به صورت مستقل مورد توجه قرار گرفت. پیشوایان اسلام به مناسبت‌هایی در مورد بهداشت و درمان و خواص بعضی از غذاهای، علت حلیت و حرمت برخی از مشروبات و ماكولات مطالبی بیان داشته‌اند که بخش‌هایی از آن روایات منقول، هم اکنون به صورت کتب طب النبی (ص) و طب الائمه (ع) در دست است. به عنوان شاهد می‌توان به این روایات اشاره کرد که فرمود: «لا خیر في الحياة إلا مع الصحة»<sup>(۶)</sup> خیری در زندگی نیست مگر با صحت و سلامتی. «ما گروهی هستیم که تا گرسنه نشیدیم نمی‌خوریم و چون خوردیم، سیر نشده از غذا دست بر می‌داریم»<sup>(۷)</sup>. شاید در آن عصر، اسرار این سخنان بر مردم روشن نبود و تنها به عنوان سخنی حکمت آمیز مورد پذیرش قرار می‌گرفت، ولی

## مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع تحقیق کیفی توصیفی- تحلیلی و شیوه استخراج اطلاعات و جمع آوری مطالب بر اساس شیوه کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از قرآن کریم و احادیث اسلامی و کتب تالیف شده در باب احادیث پزشکی و مشخصاً کتاب طب النبی (ص)، اثر ابوالعباس مستغفری انجام گرفت. برای انجام این تحقیق نخست تمام روایات کتاب طب النبی مستغفری مطالعه و بررسی و در چهار بخش احادیث مرتبط به آداب خوردن و آشامیدن، احادیث معرفی مطعومات و مشروبات مناسب سلامت جسم، احادیث پیشگیری از بیماری و احادیث مرتبط به علاج و درمان بیماری دسته‌بندی شد و آنگاه بررسی سندی و به دنبال آن تحلیل دلالی صورت گرفت و با داده‌های علمی در حوزه علوم پزشکی تطبیق داده شد. با توجه به اهمیت سلامت و تأکید آموزه‌های اسلامی بر آن، این پژوهش به دنبال آن است که از معارف حدیثی معصومین (ع) در ارتقای فرآیند سلامت بهره گیرد.

## یافته‌ها

**۱. گونه‌های روایات طبی از منظر اعتبارسنجی سند و دلالت:** طب النبی مجموعه‌ای از احادیث پیامبر اکرم (ص) درباره امور پزشکی و بهداشت و سلامت جسمی و روانی می‌باشد. برخی از علمای اسلامی معتقدند که پیامبر برای طبابت بیعوث نشد و چون منشاً احادیث پزشکی وحی نیست لذا عمل به آنها نیز الزامی نمی‌باشد. چنانچه امثال این خلدون گفته‌اند: ایشان به عنوان یک انسان ساکن در سرزمین حجاز که ممکن است در اثر تجربه درباره طب و بهداشت احلاعاتی داشته باشد، در این زمینه آموزه‌هایی را در دسترس قرار داده است که در این صورت، این دست از آموزه‌ها فاقد اعتبار خواهد بود (۱۰). در عین حال برخی دیگر بر این باورند که فرق طب النبی با طبابت پزشکان در این است که اولی متنی و قطعی و از وحی الهی و کمال عقل صادر شده است. پیامبر (ص) با حیثیت پیامبری و در مقام تشریع سخنواری را در باب طب و بهداشت ارایه کرد که در این صورت گفتار ایشان در این زمینه به مثاله گفتار ایشان در سایر حوزه‌های دینی همچون عبادات معتبر خواهد بود. به عبارت روش‌ترین بنی‌امام اسلامی اختلاف است که آیا معیار حجت روایات طبی تعبد محض است یا تجربه محض؟

روایات طبی به سان روایات در سایر عرصه‌های دینی همچون عقاید، اخلاق و احکام از نظر میزان درجه اعتبار منبع و نیز چند و چون اسناد آنها دارای مراتب مختلفند که می‌توان آن را به چند دسته تقسیم کرد:

**دسته اول:** برخی از روایات طبی دارای صحت سند می‌باشد و در منابع اصلی نیز آمده‌اند و محتوای آن نیز مورد پذیرش است. البته اگر ایات شود که متن آنها با یکی از دستاوردهای قطعی علم دارای تضاد و تناقض است در این صورت علی‌رغم صحت سند، باید روایت را کنار گذاشت و حکم نمود که چنین روایتی به اشتباه به معصوم نسبت داده شده است؛ زیرا معصوم هرگز گفتاری مخالف آنچه واقع و حققت است بیان نمی‌کند. به عبارت روش‌تر هرگز میان آموزه‌های دینی و علمی تناقض راه نمی‌باید. به عنوان مثال برای قسم اول می‌توان به روایت مستند از امیرالمؤمنین (ع) اشاره کرد که در یک مجلس ۴۰۰ مورد از مسائل مرتبط با بهداشت و درمان را بیان

می‌دهند (۲). همچنین این مقوله مطمع نظر دانشمندان اسلامی نیز قرار گرفت. از همان قرون اولیه اسلامی تاکنون در این باب کتب فراوانی ترجمه و تأییف شد. از کتاب‌های مهم طبی می‌توان از فردوس الحکمه تألیف علی بن ربن طبری و کتاب‌های متعدد محمد زکریای رازی مانند الحاوی و الطب المنصوری و من لا يحضره الطيب و نیز کتاب‌های این سینا مانند قانون نام برد (۵).

نیز در زمان مأمون عباسی، هشتاد جلد کتاب طبی که بیشتر آنها از جالینوس و بقراط بود به عربی ترجمه شد که از جمله آن می‌توان به این کتب اشاره کرد: مرض‌های حاد و اپیدمی به ترجمه عیسی بن یحیی، تشریح رحم به ترجمه حبیش الاعسم، آب و هوا و طبیعت انسان و نیروی غذاها، پزشک و فیلسوف به ترجمه حنین بن اسحق و پادزهر به ترجمه این بطريق اشاره کرد. پس از مرحله ترجمه، دانشمندان اسلامی، خود به تالیف کتاب‌های طبی پرداختند و اینکارات و نوآوری‌های خود را به رشته تحریر در آورده که تعداد آن تا چهل کتاب می‌رسد (۸).

افزون بر این آثار تخصصی، کتب روایی نیز تدوین شد که کتاب الطب النبوی اثر ابن السنی دینوری (م ۳۶۳)، کتاب طب النبی اثر ابوالعباس جعفر بن محمد مستغفر نسفی (م ۳۳۲)، کتاب الطب النبوی ابو نعیم اصفهانی (م ۴۳۲)، کتاب الاحکام النبویه فی الصناعة الطبیّة ابوالحسن حموی (م ۷۲۰)، کتاب الطب النبوی اثر شمس الدین ذہبی (م ۷۴۸) از زمره آن است. بنا به گفته علامه آقا بزرگ تهرانی، رساله ذهبیه امام رضا (ع) اولین آنها است (۹). همچنین در مجتمع حدیثی الکافی، المحسن، الدعوات، مکارم‌الأخلاق، وسائل الشیعه، مستدرک الوسائل و بحار الانوار، عناوینی مانند کتاب طب، کتاب اطعمه و اشربه، باب صحت و سلامت و ... گشوده شد و احادیث طبی به صورت گستردگی آورده شد. در سال‌های اخیر نیز کتاب‌هایی در این باب تالیف شد.

مع الوصف، در هیچ یک از این منابع به تحلیل سند و محتوای این احادیث اهتمام نشده است و بیشتر تلاش بر نقل بوده است. این پژوهش به این کاستی توجه نموده و در گام نخست مشخصاً از اعتبارسنجی سندی و دلالی احادیث طبی علاجی مرتبط با عسل، شیر، انجیر، زیتون، خرما، انگور، انار از کتاب طب النبی مستغفری پرداخته است که تاکنون از این نگاه مورد تحلیل و ارزیابی قرار نگرفته است. بنابراین پرسش اصلی تحقیق این است: آیا احادیث طبی کتاب طب النبی مستغفری از نگاه رجالی و درایی از سند و محتوای معتبری برخوردارند؟ و آیا این احادیث، منشأ و حیانی دارد که در این فرض این روایات متنی و قطعی و قابل عمل است و یا آنکه صدور این احادیث در اثر تجربه در باره طب و بهداشت و منحصر به عصر و محیط خاص جغرافیایی گرمسیری حجاز بوده که در این صورت، این دست از آموزه‌ها فاقد اعتبار در تعمیم خواهد بود و عمل به آنها نیز الزامی نمی‌باشد. پیرامون این چالش بین علمای اسلامی اختلاف است و دو دیدگاه عمده وجود دارد. هر چند روایات طبی مانند روایات در سایر عرصه‌ها همچون احکام از نظر میزان درجه اعتبار منبع و اسناد آن، دارای مراتب مختلفی است، لکن به اعتقاد نگارنده روایات، صحیح السند فراوانی در این عرصه وجود دارد که دلالت آنها نیز با داده‌های علوم پزشکی سازگار است و قابل تعمیم می‌باشد.

موضوع همه آنها طب و سلامة الأبدان است و أكثر آنها روایات کوتاهی است که از یکی دو سطر تجاوز نمی‌کند. در باب ارزش این کتاب باید گفت که کتاب «طب النبی» در میان علمای شیعه مشهور است و بسیار سفارش به مطالعه آن شده و خواجہ نصیر الدین طوسی از او تعبیر به «شيخ» و «امام» می‌کند. همچنین محقق طوسی، در کتاب آداب المتعلمين از آن نام برده و می‌گوید: «از جمله علومی که لازم است انسان یاد بگیرد طب است و در این زمینه استفاده از کتاب امام، ابوالعباس مستغفری به نام طب النبی (ص) بسیار نیکو است». نیز این کتاب یکی از مأخذ بخار الانوار است که علامه مجلسی آن را به صورت کامل در جلد ۵۹ بخار الانوار تحت عنوان باب ۸۹ نوادر، آورده و در آغاز می‌نویسد: «نورد فیه کتاب طب النبیّ المنسب إلی الشیخ ابی العباس المستغفری» (۱۱) وی پس از نقل کامل تمام احادیث آن کتاب، به تحلیل کلی آن احادیث در چند سطر پرداخته است.

نهایاً شرحی که بر این کتاب یافت شده چنان که علامه آقا بزرگ تهرانی نیز در الذریعه اشاره کرده، از مرحوم خاتون ابادی است. در هر حال کتاب طب النبی مستغفری در یک جلد از سوی انتشارات رضی در قم در سال ۱۳۶۲ شمسی چاپ شد و متن دیجیتال آن نیز در نرم افزار جامع احادیث شیعه، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم در گردیده است. سه نکته در باب این کتاب قابل دقت است:

**نکته اول:** مستغفری که قصدش تبیه کتابی طبی بوده، تنها متن روایات را نقل نموده و اسناد همه آنها را حذف کرده و تمام روایات آن مرسل است و به ذکر قال (ص) و قال رسول الله (ص)، اکتفا نموده است. در آغاز کتاب تحت عنوان المدخل آمده: «هَذِهِ الرِّسَالَةُ الْمُوسُومَةُ بِطِبِّ النَّبِيِّ صَ وَجَدَتْ بِحَدْفِ الْأَسَانِيدِ مَكْتُوبَةً...؛ این رساله‌ای است که «طب النبی» نامیده می‌شود با حذف اسناد دیدم که چنین نوشته شده است». به همین جهت این اثر یک کتاب روایی معتبر محسوب نمی‌شود، گرچه بزرگانی همچون علامه مجلسی، که قائل است به اینکه در بخار تنها روایات معتبر و مورد اعتماد را نقل می‌کند، تمام این کتاب را در بخار الانوار نقل کرده است. گفتئی است که در کتاب این روایات را هم می‌توان در منابع شیعی یافت و هم می‌توان بسیاری از این روایات را هم می‌توان در نظرهای زشت نمایند. به سند آن را پیدا نمود یعنی روایت مسند به همین مضمون یافت می‌شود. به عنوان نمونه حدیث «گُل و آنتَ تَشْتَهِي وَ أَمْسِكْ وَ آنتَ تَشْتَهِي؛ بخور! در حالی که اشتها داری، و [از خوردن] دست بردار! در حالی که [هنوز] اشتها داری» که در کتاب مورد بحث آمده است، در منابع شیعی نیز این حدیث با همین متن از مستغفری نقل شده است (۱۱-۱۵). لکن مشابه این حدیث از نظر محتوا و در تعیین حد برای خوردن طعام در روایات شیعی بازگو شده است. به عنوان مثال در کتاب بشارت المصطفی آمده است: «عماد الدین الطبری فی بشارة المصطفی: عن أبي البقاء ابراهيم بن الحسين البصری، عن أبي طالب محمد بن الحسن بن عتبة، عن أبي الحسن محمد بن الحسن بن أحمد عن محمد بن وهبیان، عن على بن أحمد العسکری، عن أحمد بن المفضل أبي سلمة، عن أبي على راشد بن على القرشی، عن عبد الله بن حفص المدنی، عن محمد بن اسحاق، عن سعد بن زید بن ارطاء، عن کمیل بن زید، عن أمیر المؤمنین (ع) فی وصیة له طویله - قال: یا کمیل، ... لا ترفنَ یدک من الطعام الا و انت تنشتهی فاذا فعلت ذلك فانت تستمرئه (۱۶) دست از غذا مکش، مگر در حالی که هنوز میل به آن داری: پس اگر این

فرمود که برخی از آنها مشابه احادیث نبوی مدرج از کتاب طب النبی مستغفری می‌باشد: «أَبِي عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْيَقِظَنِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَمُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَأَحِدٌ أَرْبَعَمَائِهِ بَابٌ مِمَّا يَصْلَحُ لِلْمُؤْمِنِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاَهُ قَالَ عَ...» (۱۱) چنین روایاتی در عالی‌ترین درجه اعتبار سند و مقبولیت قرار داردند.

**دسته دوم:** دسته‌ای که دارای ضعف سند و یا فاقد سند و به خاطر ارسال و قطع سند، یا ضعف یکی از روایات در حوزه عقیده و اخلاق دچار ضعف‌اند. این دست از روایات قابل عمل و استناد نیستند. زیرا تنها راه باورمندی به متون روایات طبی انتساب آنها به معصوم است و با وجود ضعف سند روایات، انتساب آن به معصوم مخدوش است. مگر آن که متن چنین روایاتی از هر جهت با دستاوردهای قطعی علم هماهنگ باشد که در این صورت می‌توان به صحت آن تن داد.

**دسته سوم:** شماری دیگر از روایات طبی مجعل و بسان برخی دیگر از عرصه‌های سنت همچون اعتقادات، از سوی مخالفان و معاندان به هدف تخریب باورهای دینی مردم جعل و بر ساخته شده‌اند. در منابعی که معرفی روایات مجعل اختصاص یافته روابط قابل توجهی از این دست از روایات بر شمرده شده است نظری روابط ذباب که در آن به خاطر شفابخشی بال مگس به شناور ساختن آن در غذا به هنگام افتادن در غذا توصیه شده است یا روایتی که از شفا بخشی بادنجان نسبت به همه بیماری‌ها سخن به میان آمده است. مردود بودن این دست از روایات جای هیچ گونه تردیدی ندارد (۱۲).

شیخ صدقوق نیز در تحلیل جامع و دقیقی در این باب می‌گوید: اعتقاد ما در باب احادیثی که در طب وارد شده این است که آنها بر چند وجه است: برخی از روایات ناظر به اقلیم جغرافیایی خاص گرسیز همانند حجاز وارد شده است که آن هم برای آن شرایط مورد پذیرش قطعی است و استعمال آن در غیر آن اقلیم جائز نیست. قسمی دیگر بنا بر آنچه که معصوم از آن بیماری و از طبیعت شخص مُعین فرد شناخته، آن را مردود، ولی مکان تجاوز از آن شخص را اعتبار نفرمود. بخش دیگر روایاتی است که مخالفان در کتاب‌ها جعل کرده‌اند تا هویت و صورت مذهب حق را در نظرهای زشت نمایند. برخی از روایات نیز دچار توهمندی یا سهو شخص راوی شده و یا در خاطر و ذهن راوی ناتمام و ناقص مانده و همان گونه نقل شد و بالنهایه دسته‌ای مانند روایات وارد در باب عسل که شفاء هر دردی است (۱۳)، حدیث صحیح می‌باشد (۱۴). به اعتقاد نگارنده، روایات معتبر فراوانی در این عرصه وجود دارد که دلالت آنها با داده‌های علوم پزشکی نیز سازگار است. این روایات عصری نبوده و در تمام زمان‌ها برای سلامت معنوی و جسمی، پیشگیری و درمان و علاج بیماری قابل تعمیم است.

**۲. نگاهی به کتاب طب النبی مستغفری:** کتاب طب النبی (ص) نوشته ابوالعباس، جعفر بن محمد بن معتن بن محمد بن مستغفری نسفی سمرقندی نخشبی حنفی، معروف به ابوالعباس مستغفری، متوفای ۴۳۲ هجری قمری است. همچنان که از نامش پیدا است، این کتاب در موضوع طب و به زبان عربی است و قواعد طب را از طریق سنت نبوی بیان می‌کند. این کتاب ۳۲ صفحه و دارای ۱۵۸ روایت نبوی گردآوری شده است که

### ۳. تقسیم‌بندی احادیث طبی کتاب مستغفری: در این

پژوهش پس از بررسی دقیق مجموعه احادیث طبی مندرج در این اثر، آن را به چهار بخش (به جز چند روایت که مربوط به اختکار و پرهیز از اسراف بود و ارتباط به این اقسام چهارگانه نداشت) به شرح زیر تقسیم نموده و به روایات مربوطه اشاره می‌نماییم. البته این چهار دسته از روایات نیز به نوبه خود به روایات طبی توصیفی و روایات طبی دستوری قابل تقسیم‌اند. مثلاً توصیف و اخبار از گرمی مزاج در سلامتی و طول عمر و سردی در بیماری و ریشه امراض بودن: «بَشَّرَ الْمَحْرُورِينَ بِطُولِ الْعُمُرِ» و یا «أَصْلُ كُلِّ دَاءِ الْبُرُودَةِ». سپس بر حسب مجال این مقاله به بررسی سندی و دلالی پاره‌ای از روایات بخش چهارم می‌پردازیم.

**الف.** بخشی از این روایات به آداب غذا خوردن مربوط است، مانند:

«دوست داشتنی ترین طعام نزد خدا طعامی است که دست‌های بسیاری سوی غذا خوردن با جماعت و به صورت جمعی و با افراد بیشتر، چنانچه فرمود: آن دراز شود». نیز فرمود: «اَهُمْ غَذَا بَخُورِيدْ وَ مُتَفَرِّقْ نَشُوِيدْ كَهْ بَرَكْتْ دَرْ جَمَاعَتْ أَسْتْ». خوردن غذا با خادمان و کارگران، فرمود: «خوردن همراه با خادمان از تواضع است، پس هر کس با آنان غذا بخورد، بهشت مشتاق او می‌شود». غذا را با دست و با سه انگشت خورن، چنانچه فرمود: «خوردن با یک انگشت، خوردن شیطان است و با دو انگشت خوردن عیاران است و با سه انگشت، خوردن بیامران است». آب را ایستاده نوشیدن، چنانچه فرمود: «هیچ یک از شما ایستاده آب نخورد و اگر خورد برگردان».

درآوردن کفش به هنگام خوردن غذا، چنانچه فرمود: «وقتی غذا می‌خورد کفش‌های خود را درآورید که آن باعث راحتی پاهای شما و یک سنت زیباست». پرهیز از خوردن طعام در کوچه و بازار، فرمود: «خوردن در بازار از پستی است». خوردن غذا با اشتها و میل خانواده، فرمود: «مؤمن با اشتها خانواده‌اش غذا می‌خورد و منافق خانواده‌اش با اشتها او غذا می‌خورد». خوردن غذا از آنچه که مقابل اوست و همراهی دیگران تا پایان اطعام، فرمود: «وقتی غذایی گذاشته شد، پس آنچه را که مقابل اوست بخورد و بالای آن را نخورد و چون برکت از بالای آن می‌آید و هیچ یک از شما از پیش غذا بلند نشود و دست خود را از آن نکشد مگر بعد از آنکه دیگران دست خود را کشیدند اگرچه سیر شده باشد چون این کار باعث خجالت همنشین می‌شود».

پرهیز از بریدن گوشت با چاقو در سفره: «گوشت را در سفره با چاقو نبرید که آن از کارهای عجم‌هاست و آن را با دندان بخورید که گوارانتر و بهتر است». یا آنکه فرمود: «برکت در وسط طعام است پس از کناره‌های آن بخورید و از وسط آن نخورید» (هر فردی از جایی که طعام به او نزدیکتر است شروع کنند). خوردن غذای حلال و پاک و پرهیز از غذای حرام، فرمود: «شیطان یاران خود را می‌خواند و می‌گوید بر شما باد گوشت و مسکر و نای (یک نوع آلت موسیقی) که من مجموعه شرها را جز در آنها نیافتم. و فرمود: هر کس میوه را به تنها بخورد به او ضرر نمی‌رساند». نبریدن نان با چاقو، فرمود: «نان را با چاقو نبرید و آن را گرامی بدارید که خدا آن را گرامی داشته است».

**ب.** بخشی دیگری از این احادیث به معرفی مطعومات و مشروبات و میوه‌جات مناسب پرداخته است، مثل: معرفی آب و نان به عنوان سرور اطعمه،

کار را کردی، آن [غذا] را گوارا و دل پذیر خواهی یافت». نیز حضرت علی (ع) خطاب به فرزندش، امام حسین (ع) دستورالعملی بهداشتی صادر می‌کند که هر کس آن را به کار گیرد، هرگز نیازی به طب پیدا نخواهد کرد. وی می‌فرماید: «یا بنی‌الاً اعلمک اربع خصالٰ تستغنى بها عن الطَّبِ؟ - قال: بلی يا اميرالمؤمنین. - قال: لا تجلس على الطعام الا وانت جائع و لا تقم عن الطعام الا وانت تستهيه وجود المرضف و اذا نمت فاعرض نفسك على الخلا فاذا استعملت هذه استثنىت عن الطَّبِ (۱۶)؛ ای پسرجان! آیا به تو چهار خصلت یاد ندهم که به سبب آن از طب بی‌نیاز شوی؟ امام حسن (ع) عرض کرد: آری [یاد بده] ای امیر مؤمنان. فرمود: اول این که بر سر سفره غذا منشین، مگر در حالی که گرسنه‌ای؛ و دوم این که از سر سفره غذا بر مخیز، مگر در حالی که هنوز به آن میل داری؛ و سوم این که خوب غذا را بجو؛ و چهارم این که هرگاه خواستی بخوابی به توالت برو؛ پس هرگاه این چهار عمل را انجام دهی، از طب بی‌نیاز خواهی شد».

و یا به عنوان مثال دوم روایت «الْمَعْدَةُ بَيْتُ كُلِّ دَاءِ وَ الْجِمِيعَةُ رَأْسُ كُلِّ دَاءِ فَاعْطِنِي نَفْسَكَ مَا عَوَدْتَهَا» در عَوَالِي الْلَّاَئِي همین روایت را از پیامبر مرسلاً نقل نموده است (۱۷). محدث نوری نیز مضمون این روایت را بدون سند و مرسلاً در مستدرک از امام علی (ع) این گونه اورده‌اند: «وَ فِي دَعَوَاتِهِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ الْمِدَدَ بَيْتُ الدَّوَاءِ وَ الْجِمِيعَةُ رَأْسُ الدَّوَاءِ لَا صِحَّةَ مَعَ النَّهَمِ» (۱۵). نیز هم او از امام هفتم (ع) با اندکی تفاوت این گونه اورده است: «وَ عَنِ الْعَالَمِ عَ قَالَ الْجِمِيعَةُ رَأْسُ الدَّوَاءِ وَ الْمَعْدَةُ بَيْتُ الدَّاءِ وَ عَوَدَ بَدَنَةً مَا تَعَوَّدَ» (۱۵) لکن محدث شهریار شیعی شیخ صدوق در علل الشرائع در ضمن حدیثی طولانی از امام صادق (ع) این روایت را مستند اورده است که سند آن چنین است: «[علل الشرائع] محمد بن ابراهیم بن اسحاق الطائقانی عن الحسن بن علي الدعوي عن عباد بن صحيب عن أبيه عن جده عن الربيع الصاحب المنصور قال حضر أبو عبد الله جعفر بن محمد الصادق ع مجلس المنصور يوماً و عنده رجل من الهند يقرأ كتاب الطبل فجعل أبو عبد الله الصادق جعفر بن محمد ع ينصت لقراءته ...» (۱۳-۱۸).

**نکته دوم:** مؤلف به جهت اختصار کتاب و وحدت موضوع، آن را فصل بندی نکرده و از ابتدای کتاب با عبارت قال رسول الله صلی الله علیه و آله شروع نموده و با همان سیاق نیز کتاب را به انتام رسانده است. تنها نکته در سیاق کتاب این است که اولین روایات کتاب روایاتی جامع و قواعدی کلی است و از اواسط کتاب، روایات موردي، که درباره غذای خاص و یا اثري خاص است شروع شده است. وی در آغاز کتاب، تხست به موضوع درد و درمان اشارة کرد که خدا هر دردی را آفرید درمان آن را نیز آفرید. وی به دو حدیث از پیامبر (ص) اشاره نموده که فرمود: «مَا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى دَاءً إِلَّا وَ خَلَقَ لَهُ دَوَاءً إِلَّا السَّامَ؛ خداوند مرضی را نیافریده مگر این که برای آن دوایی آفریده است مگر مرگ». نیز فرمود: «الَّذِي أَنْزَلَ الدَّاءَ أَنْزَلَ الشَّفَاءَ؛ كَسِيَّ كَهْ بِبِيمَارِي را نازل کرده، دوا را هم نازل کرده است». آنگاه ۱۵۶ حدیث نبوی را بدون هیچ تبییب و دسته‌بندی اورده است.

**نکته سوم:** اینکه به نظر علامه مجلسی اکثر روایات این کتاب از طریق عامه نقل شده است. مذهب مؤلف کتاب دقیقاً مشخص نیست. علامه مجلسی و شیخ طوسی او را شیعه می‌داند، اما صاحب ریاض احتمال حنفی بودن او را تقویت کرده است.

کن که طعام داغ برکت ندارد». مراعات اوقات غذا به ویژه در هنگام سحر و صبح و پرهیز از خوردن غذا در شب، چنانچه فرمود: «برکت در سه چیز است: جماعت، سحور و ترید» یا فرمود: «سحری بخورید که در آن برکت است». نیز فرمود: «برخلاف اهل کتاب سحری بخورید». استفاده از حنا برای درمان سردرد، تقویت نور چشم و تقویت قوه باه، «خداآوند برای ما خوشابینتر از حنا گیاهی نیافریده است». فرمود: حنا خضاب اسلام است، عمل مؤمن را زیاد می‌کند و سردرد را از بین می‌برد و به چشم، تیزی می‌بخشد و بر جماع می‌افزاید و آن سرور گیاهان در دنیا و آخرت است. معرفی حجامت به عنوان راهکار مداوای بیماری، فرمود: «در شبی که به معراج رفتم به هیچ فرشته‌ای نمی‌گذشتم مگر اینکه می‌گفت: ای محمد امت خود را به حجامت کردن دستور بده و بهترین چیزی که با آن بیماری‌ها را مداوا می‌کنید حجامت کردن و سیاه دانه و جوز است».

۵. بخش چهارم احادیث علاجی که به مقوله درمان اشاره می‌نماید، مثل آنکه: خالل کردن دندان پس از طعام موجب سلامت آن می‌شود: «پس از خوردن طعام خالل کنید و دهانتان را با آب بشویید که باعث سالم بودن دندان‌ها می‌شود». نیز فرمود: «خالل کنید که آن از نظافت است و نظافت از ایمان است و ایمان با صاحب خود در بهشت است». خوردن غذا با چوب به جای دست و یا فلزی دیگری مثل قاشق استیل باعث اینمی از درد کلیه می‌گردد: هر کس (در غذا خوردن) از دو چوب استفاده کند، از درد دو کلیه در امان خواهد بود. خوردن نمک قبل از غذا، فرمود: «سه بار نمک خوردن پیش از غذا از فرزند آدم هفتاد و دو نوع بلا را می‌گرداند که از جمله آنها است جنون و جذام و برص». نیز فرمود: «سرور خورشتهای شما نمک است». هر کس پیش از هر چیز نمک بخورد سیصد و سی نوع بلا از او دفع می‌شود که آسان‌ترین آنها جذام است» و «با نمک شروع کنید که آن دوای هفتاد درد است».

نوشیدن آب به صورت مکیدن، فرمود: «وقتی میل به آب داشتید آن را به صورت مکیدن بخورید و پی در پی نخورید». نیز فرمود: «پی در پی خوردن باعث تشنگی می‌شود». نهی از خوردن مغز استخوان، فرمود: «بدترین امت من کسانی هستند که مغز استخوان را بخورند». توصیه به خوردن گوشت شتر، فرمود: بر شما باد به خوردن گوشت شتر برخلاف بیهود (که نمی‌خورند). پخت گوشت با شیر چهت درمان ضعف جسمی: «خداآوند به یکی از پیامبران خود که از ضعف شکایت کرده بود، وحی کرد که گوشت را با شیر بپزد که شفا و برکت در آنهاست». استفاده از روغن بنششه که در تاپستان، سرد و در زمستان، گرم است: «با روغن بنششه خود را چرب کنید که آن در تاپستان، سرد و در زمستان، گرم است». «برتری روغن بنششه بر سایر روغن‌ها مانند برتری اسلام بر سایر ادیان است».

نوشیدن شیر دارای آثاری چون کاهش حرارت قلب، تقویت قوه باه، افزایش حافظه، جلا دادن چشم است، فرمود: بر شما باد شیر که آن حرارت را از قلب برطرف می‌کند همان گونه که انگشت، عرق را از پیشانی برطرف می‌کند و نیز خوردن شیر، پشت را محکم می‌کند و بر عقل می‌افزاید و ذهن را ذکاوت می‌دهد و چشم را جلا می‌بخشد و فراموشی را از بین می‌برد. استفاده زن حامله از شیر موجب ازدیاد عقل بچه در رحم او می‌گردد: «زن‌های حامله خود را شیر بدھید که آن عقل بچه را زیاد می‌کند». نیز شیر

«سرور نوشیدنی‌های دنیا و آخرت آب است». معرفی گوشت به عنوان برترین خورشت: بهترین خورشت در دنیا و آخرت گوشت است. نیز فرمود: «هر کس چهل روز گوشت نخورد اخلاقش بد می‌شود». یا فرمود: «هر کس چهل روز گوشت نخورد قلب او قساوت می‌گیرد». البته گوشت گوسفند را ترجیح بر گوشت گاو داده‌اند و فرمود: گوشت گاو بیماری و شیر آن دوست و گوشت گوسفند دوا و شیر آن بیماری است. معرفی برج به عنوان رئیس غذاها: «برج در میان غذاها مانند رئیس در میان قوم است و من در میان پیامبران مانند نمک در غذا هستم». توصیه به خوردن میوه نوبر و پرهیز از خوردن میوه در خارج از فصل آن: «بر شما باد میوه‌ها به هنگام نویر آن بدن‌ها را سالم می‌کند و غم‌ها را بطریق می‌سازد و آنها را به هنگام تمام شدن رها کنید که آن بیماری برای بدن هاست».

معرفی انگور، خربزه، لیمو، انجیر به عنوان بهترین میوه‌ها و محبوب پیامبر، «بهترین غذای شما نان و بهترین میوه شما انگور است». «پیامبر از میوه‌ها انگور و خربزه را دوست می‌داشت». نیز فرمود: «نوح از غصه به خدا شکایت کرد به او وحی شد که انگور بخورد که انگور غصه را از بین می‌برد». فرمود: وقتی زنی بجهای به دنیا آورد نخستین چیزی که آن زن می‌خورد رطب و خرمای شیرین باشد، زیرا که اگر بهتر از آن چیزی بود، خداوند به مریم وقتی عیسی را به دنیا آورد، می‌داد و فرمود: خانه‌ای که در آن خرما نباشد، در واقع طعامی در آن نیست و فرمود: خرما را با آب دهن بخورید که کرم را می‌کشد و فرمود: چه خوب است که مؤمن سحری خرما بخورد و فرمود: هر وقت رطب آمد به من تهیت بگویید و هر وقت رطب رفت به من تسیلت بگویید و فرمود: هر کس خرما داشته باشد، با آن افطار کند و اگر خرما نداشته باشد با آب افطار کند که آن پاک‌کننده است. فرمود: بر شما باد لیمو که آن قلب را نوارانی می‌کند و بر عقل می‌افزاید و فرمود: انگور را دانه دانه بخورید که گواراً است.

خوردن هلیله سیاه، «بر شما باد هلیله سیاه که آن از درخت بهشتی است طعم آن تلخ است ولی در آن شفای هر دردی است». نیز فرمود: بهترین چیزی که روزه‌دار با آن افطار می‌کند، کشمکش و خرما و یا یک چیز شیرین است. توصیه به خوردن سبزیجات به صورت عام و خصوصاً استفاده از کرفس و کاسنی، بادمجان، سرکه: «سفره‌های خود را با سبزی زینت دهید که خوردن آن همراه با گفتن بسم الله، شیاطین را می‌راند». «کرفس سبزی پیامبران است» نیز فرمود: «بر شما باد کرفس که اگر چیزی عقل را بیافزاید، همان است». نیز فرمود: «هر کس سرکه بخورد، فرشته‌ای به پا می‌خیزد و برای او استغفار می‌کند تا وقتی که از آن فارغ شود». بادمجان بوته بهشتی: «زیاد بادمجان بخورید که آن درختی است که در بهشت دیده‌ام، پس هر کس آن را با این قصد بخورد که بیماری اور است بیماری می‌آورد و هر کس با این قصد بخورد که دوست دوا می‌شود». «هیچ برگی از کاسنی نیست مگر اینکه بر آن قطره‌ای از آب بهشت است».

چ. بخشی از این احادیث جنبه پیشگیری از بیماری را دارد، همانند: پرهیز از پرخوری، چنانچه فرمود: هر کس به خوردن زیاد طعام و آب عادت کند قلب او قساوت می‌گیرد. نیز فرمود: «معده، خانه بیماری و پرهیز، سرآمد هر دو است و به نفس خود آنچه را که عادت داده‌ای بده». پرهیز از خوردن طعام داغ و استفاده از غذا پس از سرد شدن، چنانچه فرمود: «طعام را سرد

شستشوی شکم مفید است و بیماری را از بین می‌برد، فرمود: خربزه بخورید و آن را با دندان بخورید که آب آن رحمت و شیرینی آن از شیرینی ایمان است و ایمان در بهشت است، پس هر کس قدری خربزه بخورد، خدا برای او هفتاد هزار حسنہ می‌نویسد و از او هفتاد هزار سیئه محو می‌کند. فرمود: خربزه ده خصلت دارد (که پیش از این گفته شد) و اینکه برای پیامبر از طائف خربزه‌ای آوردن آن را بتوئید و بوسید سپس فرمود: خربزه را با دندان بخورید که آن از زینت‌های زمین و آب آن از رحمت خدا و شیرینی آن بهشت است و فرمود: هیچ زن حامله‌ای خربزه نمی‌خورد مگر اینکه نوزاد او زیبا روی خوش خلق می‌شود. فرمود: خربزه پیش از غذا شکم را شست و شو می‌دهد و بیماری را به کلی از بین می‌برد و فرمود: بر شما باد مرزنگوش آن را ببوبید که برای «خشام» خوب است و «خشام» یک بیماری است. فرمود: سیاه دانه دوای هر دردی است بجز مرگ. فرمود: هر کس اسپند بخورد و بخوابد از سرگیجه در امان خواهد بود. سیر و پیاز تقویت عصب و قوه باه، فرمود: وقتی به شهری وارد شدید از سبزی یا پیاز آن بخورید که بیماری آن شهر را از شما دور می‌کند و رنچ را از بین می‌برد و عصب را محکم می‌کند و باه را افزایش می‌دهد و تب را می‌برد. فرمود: هر کس سیر و پیاز و چیز بدبو بخورد به ما نزدیک نشود و به مسجد نزدیک نشود.

**۴. بررسی و تحلیل سندی و دلالی پاره‌ای از احادیث طبی بخش چهارم:** با عنایت به این تقسیم و موضوع بندی احادیث کتاب مستغفری، نگارنده به فراخور محدودیت یک مقاله، به بررسی سندی و دلالی پاره‌ای از احادیث از مجموعه از اقسام مذبور همانند عسل، شیر، گوشت، عدس، انجیر، زیتون، خرما، انگور، انار، موز، سیر، پیاز، کدو، خیار، ریخون، تره که از اهمیت بیشتری از نظر خاصیت بهداشتی و درمانی و طبی برخوردار می‌باشد و بیان کننده اعجاز بیان و سخن نبوی است، خواهد پرداخت.<sup>(۴)</sup>

**۵. تحلیل سندی و دلالی روایات خواص درمانی عسل:** واژه عسل با همین لفظ یک بار به معنای «شراب» (نه به معنای عسل زنبور) به صورت تسبیه درباره نعمات بپوشیان در قرآن استعمال شده است: «وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفَّى»<sup>(۱)</sup>; جوی‌هایی از عسل مصفی. نیز دو بار به مفهوم عسل به همین معنای شهد زنبوران، بدون کاربرد واژه آن در قرآن استعمال گردید که یک بار به صورت روش در یک جمله «يَخْرُجُ مِنْ بُطُونَهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ الْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» در آیات ۶۸ و ۶۹ سوره نحل آمده است «وَأَوْحَى رِبُّكَ إِلَى التَّحْلُلِ أَنَّ أَنْجِذَنِي مِنَ الْجَبَالِ بِيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمَمَا يَعْرِشُونَ \* ثُمَّ كُلُّ مِنْ كُلِّ الشَّمَرَاتِ فَأَسْلَكَنِي سَبِيلَ رِبِّكَ دُلَّلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونَهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ الْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِقُومٍ يَنْفَكِرُونَ» و یک بار به مفهوم غیر صریح و تاویلی و با کلمه ای دیگر این مفهوم در قرآن آمده است: «وَ اتَّرَّلَنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَ السَّلَوِي»<sup>(۲)</sup> (۱) این آیه نعمت‌هایی که خدا به بنی اسرائیل در آن بیان ارزانی داشت و آنان را به دادن این برکت متن نهاد، غذایی پاکیزه، مطبوع، لذیذ و نیرو بخش به نام «من» بود. مفسران در مفهوم «من» تفسیرهای گوناگونی ابراز داشتند که یکی از آن تفاسیر این است که «من» یک نوع عسل طبیعی بوده که بنی اسرائیل در طول حرکت خود در آن بیان به مخازنی از آن رسیدند و از آن استفاده کردند. این تفسیر با بیانی که در عهده‌ین در باره وجود عسل در اراضی مقدس آمده همخوانی دارد. «اراضی مقدسه به کثرت انواع گل‌ها و شکوفه‌ها معروف است و بدین لحاظ است که

دارای چربی است و پس از نوشیدن دندان را باید شستشو نمود: «هر وقت شیر خوردید دهانتان را بشویید که در آن چربی است». خوردن پنیر با گردو، فرمود: «خوردن پنیر بیماری است و گردو دوا است و اگر با هم باشند دوا هستند». فرمود: ده چیز باعث فراموشی می‌شود: خوردن پنیر، خوردن بازمانده موش و خوردن سیب ترش و گشنیز و حجاجت کردن با نقره و رفتن از میان دو زن و نگاه کردن به کسی که بر دار زده شده و تعزیه و خواندن سنگ قبرها. فرمود: پنیر بخورید که آن خواب می‌آورد و طعام را هضم می‌کند. نوشیدن عسل باعث تقویت حافظه و رفع ناراحتی سینه می‌گردد، «جسم با سه چیز شاد می‌شود و رشد می‌کند: عطر و لباس نرم و خوردن عسل». نیز فرمود: «بر شما باد عسل، سوگند به کسی که جان من در دست اوست خانه‌ای نیست که در آن عسل باشد مگر اینکه فرشتگان به ساکنان آن خانه طلب آمرزش می‌کنند. پس اگر کسی آن را بخورد هزار دوا در درون او وارد می‌شود و هزار هزار بیماری از او خارج می‌شود و اگر در حالی که عسل در درون اوست بمیرد بدن او را آتش نمی‌گیرد و فرمود: چه خوب است خوردن عسل که رشد می‌دهد و ناراحتی سینه را از بین می‌برد و فرمود: هر کس حافظه بخواهد، عسل بخورد».

خوردن خربزه موجب شستشوی مستانه و تقویت قوه باه و قطع سردی است، فرمود: بهار امت من انجور و خربزه است و فرمود: خربزه را به عنوان میوه بخورید که آن میوه بهشتی است و در آن هزار برکت و هزار رحمت است و خوردن آن شفای هر دردی است. و فرمود: خربزه را با دندان بخورید و آن را قطعه قطعه نکنید که آن میوه مبارک و پاک است، دهان را پاک و قلب را مقدس و دندان‌ها را سفید می‌کند و خدا را خشنود می‌سازد، بوي آن از عنبر و آب آن از کوثر و گوشت آن از بهشت و لذت آن از جنت و خوردن آن از عبادات است و از ابن عباس نقل شده که پیامبر فرمود: بر شما باد خربزه که در آن ده خصلت است: غذا و نوشیدنی و مسوک و دارای بوی خوش است و مثانه را شست و شو می‌دهد و سردی را قطع می‌کند و شکم را می‌شوید و آب پشت را زیاد می‌کند و جماع را افزایش می‌دهد و سردی را قطع می‌کند و بشره را پاک می‌سازد.

خوردن انار داغ کننده معده است، فرمود: بر شما باد انار و پی آن را هم بخورید که آن دیاغ کننده معده است، هیچ دانه‌ای از آن در درون شما قرار نمی‌گیرد مگر اینکه قلب نورانی می‌شود و چهل روز انسان را از وسوسه شیطان حفظ می‌کند. خوردن انجیر در درمان قولنج و خوردن به، در از بین بردن تاریکی چشم، فرمود: خوردن انجیر امان از قولنج است و فرمود: خوردن به، تاریکی چشم را از بین می‌برد. خوردن کشمکش در تسکین رنچ و فرو نشاندن بلغم و محکم کردن عصب، فرمود: بر شما باد کشمکش که رنچ را از بین می‌برد و بلغم را فرو می‌نشاند و عصب را محکم می‌کند و بدگویی را می‌برد و قلب را نیکو می‌کند. خوردن کدو برای تقویت حافظه، فرمود: بر شما باد کدو که آن بر عقل می‌افزاید. نیز فرمود: کدو بخورید که اگر برای خدا گیاهی سبکتر از آن بود، آن را برای برادرم یونس می‌رویانید. نیز فرمود: «وقتی یکی از شما آبغوشت تهیه می‌کند، در آن سیار کدو بریزد که بر عقل و فکر می‌افزاید». خوردن انجیر در درمان بواسیر و نقرس مؤثر است، فرمود: «انجیر بخورید که به بواسیر و نقرس منفعت دارد». فرمود: «عناب تب و سرفه را از بین می‌برد و قلب را نورانی می‌کند». خربزه پیش از غذا برای

قد سقیته فلم یزد لآ استیطلاقاً فقالَ ص اسْفِهِ عَسْلًا ثَلَاثَ مَرَاتٍ ثُمَّ جَاءَ فِي الرَّابِعَةِ فَقَالَ اسْفِهِ عَسْلًا قَالَ قَدْ سَقِيْتَهُ فَلَمْ یزدْ لآ استیطلاقاً فَقَالَ صَسَدَ اللَّهُ وَكَذَبَ بَطْنُ أَخِيكَ اسْفِهِ عَسْلًا فَسَقَاهُ فَبَرَأَ اسْتَهَيٌّ» (۱۹) مردی نزد رسول خدا (ص) آمد و از آن حضرت در باره درمان بیماری شکم برادر خود راهنمایی خواست، رسول خدا (ص) فرمود که او را عسل بخورانید. آن مرد برادرش را عسل خوارانید، ولی افاقه نداد. او مرتبه دوم ادر برخی از نقل‌ها تا باز چهارم] نزد پیامبر آمد و گفت که عسل خواراندم ولی فایده نداد! آن حضرت برای بار دوم نیز فرمود که او را عسل بخورانید؛ زیرا که خدای تعالی راست می‌گوید [فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ] و شکم برادر تو دروغ! سپس آن مرد رفت و برادرش را عسل خواراند و برادرش شفاء یافت.

**تحلیل محتوا:** اما از نظر تحلیل محتوا باید گفت که در قرآن و روایات اسلامی روی خاصیت درمانی عسل تکیه شده است. عسل مقوی ترین غذاها و هدیه پرازرسخ خداوند است که در کتاب آسمانی قرآن از آن به عنوان محصول شفایخش و داروی دردهای مردم یاد شده است: «فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ» (۱). واژه «شفاء» در قرآن تنها در باره قرآن (۱) و عسل (۱) به کار برده شد. عسل، شفاء از دردهای جسمی و قرآن، شفاء دردهای قلبی است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «بر شما باد دو درمان، عسل و قرآن». (۲۰-۱۱) در سخنی دیگر نیز فرمود: «شفاء امت من از رنج‌ها در سه چیز است، آیتی از قرآن و نیشتر حجاجت کننده و نوشیدن مقدار یک انگشت از عسل» (۲۱). علامه جرجانی در کتاب تفسیر خود پس از نقل روایت نبوی مزبور می‌نویسد که قرآن شفاء تمام مرض‌ها و نیشتر حجّام شفاء از امراض خونی است و اما عسل شفاء امراض بلغی (ادویه حاره) و امراض صفرایی و ترشی‌ها و امراض سودایی و چربی‌ها است؛ از این رو کمتر ترکیب دارویی از تراکیب دارویی حکماء است که عسل در آن نباشد (۲۱).

در روایات متعددی نقل شده که «ما استشفي الناس بمثل العسل»؛ مردم به چیزی مانند عسل استشفاء نمی‌کنند (۷). یا در نقل دیگر آمده است: «لَمْ يَسْتَشْفَفْ مَرِيضٌ بِمِلْ شَرْبَهِ عَسْلٍ»؛ یعنی بیماری به مانند شربت عسل درمان نکرده است. (همان) نیز در احادیث دیگری عسل برای درمان دل درد توصیه گردیده و از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود: کسی که (لا اقل) هر ماه یک بار عسل بنوشد و شفایی را که قرآن از آن باد کرده بطلبید، خدا او را از ۷۷ نوع بیماری شفا می‌بخشد (۲۲). امام رضا (ع) در مورد عسل فرمود: «در عسل موجبات شفا از هر دردی موجود است و کسی که یک سر انگشت عسل ناشتا مصرف کند موجب قطع (ازدیاد) ترشحات بلغمی یا مخاطی و مواد صفرایی و از بین رفتح حالت حساسیت و هم چنین موج پاکیزگی ذهن و فکر و فروزنی قوای حافظه می‌شود، چنانچه همراه با جویدن کندر باشد» (۱۱-۱۵). قاتده می‌گوید: «عسل داروی دردهای مردم است». این مسعود نیز می‌گفت: «دو چیز شفای دردهاست قرآن و عسل، آنها را ترک نکنید» (۲۰). امام رضا (ع) در مورد عسل فرمودند: «در عسل موجبات شفا از هر دردی موجود است و کسی که یک سر انگشت عسل ناشتا مصرف کند موجب قطع (ازدیاد) ترشحات بلغمی یا مخاطی و مواد صفرایی و از بین رفتح حالت حساسیت و هم چنین موج پاکیزگی ذهن و فکر و فروزنی قوای حافظه می‌شود چنانچه همراه با جویدن کندر باشد» (۱۱-۱۵). در روایت از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «نعم الشراب العسل و قال من اراد الحفظ

جماعت زبوران همواره در شکاف سنجک‌ها و شاخ درختان و خانه‌های مردم می‌نشینند، به طوری که فقیرترین مردم عسل را می‌توانند خورد». به هر حال «من» یک نوع عسل کوهستانی و یا ماده قندی نیرو بخشی مشابه آن بود که یکی از مفیدترین و پرانرژی‌ترین غذایها به شمار می‌آمد (۶). یکی از مواد غذایی دارویی که در حدیث نبوی مورد تاکید قرار گرفت عسل است. مستغفری در کتاب طب النبی چند روایت در باب خواص درمانی و بهداشتی عسل نقل کرده که رسول خدا فرمود: «نوشیدن عسل باعث شادی جسم، تقویت حافظه، رفع ناراحتی سینه می‌گردد». در ذیل به تحلیل و بررسی آن می‌پردازیم:

الف- «ثَلَاثَةٌ يَفْرَحُ بِهِنَ الْجِسمُ وَ يَرْبُو الطَّيْبُ وَ لِبَاسُ اللَّيْنَ وَ شُرْبُ الْعَسْلِ» جسم با سه چیز شاد می‌شود و رشد می‌کند: عطر و لباس نرم و خوردن عسل.

ب- «عَلَيْكُمْ بِالْعَسْلِ فَوَ الْذِي نَفْسِي بَيْدَهُ مَا مِنْ بَيْتٍ فِيهِ عَسْلٌ إِلَّا وَ تَسْتَغْفِرُ الْمَاكِنَةُ لِأَهْلِ ذَلِكَ الْبَيْتِ فَإِنْ شَرِبَهَا رَجَلٌ دَخَلَ فِي جُوْهِهِ الْفُدَاءِ وَ خَرَجَ عَنْهُ الْفُدَاءِ فَإِنْ مَاتَ وَ هُوَ فِي جَوْفِهِ لَمْ تَمَسِّ التَّارِيْخُ جَسَدَهُ»؛ بر شما باد عسل، سوگند به کسی که جان من در دست اوست خانه‌ای نیست که در آن عسل باشد مگر اینکه فرشتگان به ساکنان آن خانه طلب امرزش می‌کنند. پس اگر کسی آن را بخورد هزار دوا در درون او وارد می‌شود و هزار هزار بیماری از او خارج می‌شود و اگر در حالی که عسل در درون اوست بمیرد بدن او را آتش نمی‌گیرد.

ج- «نَعْ الشَّرَابُ الْعَسْلُ يُرْبِي وَ يُدْهِبُ دَرَنَ الصَّدَرِ»؛ چه خوب است خوردن عسل که رشد می‌دهد و ناراحتی سینه را از بین می‌برد. د- «مَنْ أَرَادَ الْحِفْظَ فَلْيَاكُلُ الْعَسْلَ» هر کس حافظه بخواهد، عسل بخورد» (۴).

**اعتبار سنجی سندی:** از نظر سند، این احادیث مقبول است؛ زیرا اولاً موید به قرآن است که به نص روشن عسل را مایه شفا دانسته و ثانیاً این احادیث منضاض است و مورد عمل مشهور دانشمندان اسلامی قرار گرفته است و نیازی به توصیف سندی نمی‌باشد. مضافاً بر این تقه‌الاسلام کلینی در کافی شریف بابی تحت عنوان «باب العسل» باز کرده و پنج حدیث مستند از ائمه اهل البیت (ع) نقل کرده که بیشتر آن صحیح السند می‌باشد، مانند این روایت: «عَدَةٌ مِنْ أَصْحَابَنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَمْمَادِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُوقَةِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ مَا اسْتَشْفَفَنِي النَّاسُ بِيَمِلُ الْعَسْلَ». نیز برخی از این احادیث را محدث نوری از کتاب مستغفری با دید پذیرشی نقل کرده است (۱۵). همچنین محدث حر عاملی در مجلد ۲۵ وسائل الشیعه باب تحت عنوان «باب أكل العسل و الاستشفاف به» گشوده و ۱۵ روایت مستند در همین موضوع نقل کرده است. نیز محدث نوری در مستدرک الوسائل ۱۸ روایت در باره خواص عسل آورده است (۱۵). افزون بر روایات متنقول از سوی امامیه، احادیث فراوانی مرسلاً و مسنداً از طریق اهل سنت نیز در این باب نقل شده که به عنوان نمونه به یک حدیث اشاره می‌نماییم: «حدثنا محمد بن المثنی و محمد بن بشار واللطف لابن المثنی قالا حدثنا محمد بن جعفر حدثنا شعبه عن قتادة عن أبي المتوكل عن أبي سعيد الخدري قال جاء رجل إلى النبي ص فقال إن أحدي استطلقا بطنه فقال ص اسفه عسلًا فسقاه ثم جاءه فقال يا رسول الله ص علىك

و هوش را تقویت می‌کند، بدن جهت است که عسل به علت داشتن گلکوز زیاد، سهل التجزیه و انرژیزا است و تاثیر مهمی در تحریک و تقویت عضلات قلب دارد (۲۷). از نظر علمی صمغ موجود در عسل، جدار عروق را نرم نگه می‌دارد؛ در نتیجه، مواد غذایی بهتر به مغز و اعصاب می‌رسد و مطالب بهتر در حافظه می‌ماند و کمتر به دست فراموشی سپرده می‌شود. از طرفی ویتامین D موجود در عسل، اعمال بین کلسیم و فسفر را تنظیم می‌کند در نتیجه اعصاب کار خود را خوب انجام می‌دهند (۲۸). نیز عسل به علت داشتن بعضی آنزیمه‌ها به هضم غذا کمک می‌کند. مثل لیاز، آمیلاز و ساکاراز و از شدت اسید معده می‌کاهد و می‌تواند در افراد مبتلا به ترش کردن (رفلکس) موثر باشد. برای زخم معده و التهاب آن نیز مفید است. عسل زود جذب خون می‌شود و در خون سازی فوق العاده مؤثر است و به همین جهت نیرو بخش است (۲۹).

**۶. شیر:** نوشیدن شیر دارای اثراتی چون کاهش حرارت قلب، تقویت قوه باه، افزایش حافظه، جلا دادن چشم است. این آثار و مانند آن در احادیث فراوانی آمده است که مستغفری نیز در کتاب طب النبي از پیامبر خدا (ص) نقل نموده است. مانند: «أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ نَبِيًّا مِّنْ أَنْبِيَائِهِ حِينَ شَكَا إِلَيْهِ ضَعْفَةً أَنْ اطْبِعَ الْحَلْمَ مَعَ الْبَيْنِ فَإِنَّ قَدْ جَعَلَ الشَّفَاءَ وَالْبَرَكَةَ فِيهِمَا» و حدیث «عَلَيْكُمْ بِالْأَلْبَانِ فَإِنَّهَا تَمْسَحُ الْحَرَرَ عَنِ الْقَلْبِ كَمَا يَكْسِحُ الْأَصْحَافُ الْعَرَقَ عَنِ الْجَبَنِ وَشَنَدُ الظَّهَرَ وَتَرَبَّدُ فِي الْعَقْلِ وَتَدَكَّى الدَّهْنُ وَتَجْلُو الْأَصْرَ وَ تُدَهِّبُ التُّسِيَّانَ» (۴).

اما از نظر سند باید گفت که احادیث متضاد بر لکه متواتری در باب خواص و آثار شیر وجود دارد و از بحث سندی بی‌نیاز می‌گرداند. نتهی‌الاسلام کلینی در کتاب الکافی جلد ششم ابوبی با عنوان «باب الالبان، باب الالبان البقار، باب الالبان الابل...» دهها حدیث را در آن ارتباط نقل کرده است. بخشی از این احادیث مسند و صحیح می‌باشد. به عنوان مثال: در حدیث مسندی از امام باقر (ع) نقل می‌کند که فرمود: «شیر ضعف جسمی را تقویت می‌کند و گوشتش بدن را می‌رویند و استخوان را قوی می‌نماید؛ علی بن محمد بن بُنْدَارَ وَغَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَنِ الْفَاقِهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَصْبَهَانِيِّ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَفَّالَ لَهُ رَجُلٌ وَأَنَا أَسْمَعُ جُلُوتَ فِيَّ أَكِيدُ الْأَضْعَفَ فِيَّ بَذَنِي فَقَالَ لَهُ عَلَيْكَ بِالْأَلْبَانِ فَإِنَّهُ يُنْبِتُ الْحَلْمَ وَيَشَدُ الْعَلْمَ» (۳۰). در حدیث دیگری امام موسی بن جعفر فرمود که: «شیر و عسل قوه باه و ضعف جنسی را تقویت می‌نماید؛ عنه عن نوح بن سعیب عمن ذکره عن أبي الحسن الأول ع قال من تغیر عليه ماء الظهر فإنه ينفع له اللَّهُنَّ الْحَسِيبُ وَالْعَسلُ» (۳۰). و برای دباغی کردن معده سودمند است: «عَدَةٌ مِّنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِهِ قَالَ شَكَوْتُ إِلَيْ أَبِي جَعْفَرٍ عَذْرًا وَجَدَتْهُ فَقَالَ لِي مَا يَمْنَكُ مِنْ شُرْبِ الْأَلْبَانِ الْبَقَرِ فَقَالَ لِي أَشْرِبَتَهَا قَطُّ فَقُلْتُ لَهُ نَعَمْ مِرَأً فَقَالَ كَيْفَ وَجَدْتَهَا فَقُلْتُ وَجَدْتُهَا تَدْبِيعُ الْمَعَدَّةِ وَتَكْسُو الْكَلْبَيْنِ الشَّحْمَ وَتُشَهِّي الطَّعَامَ فَقَالَ لِي لَوْ كَانَتْ أَيَّامُهُ لَخَرَجْتُ أَنَا وَأَنْتَ إِلَيْيَّ حَتَّى تَشَرِّبَهُ» (۳۰).

درباره تحلیل دلالت این احادیث باید بگوییم که شیر یکی از غذاهای پر ارزش است و از آن جهت که غذایی نسبتاً کامل و خوش طبیعی است در هر عصر و زمانی مورد توجه بشر بوده است. مواد معدنی شیر گاو ۸ تا ۹ گرم

فلایکل العسل؛ چه نوشابه خوبی است عسل» و نیز فرمودند: «کسی که می‌خواهد حافظه‌اش زیاد شود پس باید عسل بخورد» (۱۵).

**خواص غذایی، بهداشتی و درمانی عسل از دیدگاه علوم پزشکی:** دانشمندان برای عسل، خواص بسیار زیادی گفته‌اند که هم جنبه درمانی، هم پیشگیری و هم نیرو بخشی دارد. ترکیبات عسل بیش از ۷۰ فایده گوناگون دارد که برای بدن انسان لازم است، عسل دارای انواع ویتامین‌های شش گانه A, B, C, P, K, E می‌باشد (۲۳). دارای انواع پروتئین، اسید امینه، اسیدهای آلی مثل اسید فورمیک، مقداری آنزیم و محرك‌های حیاتی و رایحه‌های معطر می‌باشد. املاح معدنی در عسل فراوان‌اند؛ از جمله: کلسیم، سدیم، پتاسیم، منگنز، آهن، کلر، فسفر، گوگرد و ید (۲۴). عسل از ۷۰ نوع ماده مختلف تشکیل شده است و مهم‌ترین منابع شیرین عسل شامل ۱۵ نوع از انواع شکرهاست که مهم‌ترین آنها قند فروکتوز به میزان ۴۰٪، قند گلکوز به میزان ۳۰٪ و قند قصب به میزان ۴٪ می‌باشد.

عسل جزء اولین مواد غذایی کامل است؛ شامل مجموعه‌ای از ویتامین‌های A, B<sub>6</sub>, B<sub>5</sub>, B<sub>3</sub>, B<sub>2</sub>, B<sub>1</sub> و ویتامین C و ویتامین E به مقادیر کم ولی مفید می‌باشد (۲۵).

مهم‌ترین ویژگی عسل این است که با گذشت زمان فاسد نمی‌شود مشروط بر این که دور از رطوبت نگهداری شود و بیش از ۶۰ درجه حرارت نبیند. علت فاسد نشدن عسل اسید فرمیک است که زنبور عسل آن را می‌سازد. اسید فرمیک ضد عفونی کننده طبیعی و ضرری ندارد و ضد رماتیسم است؛ در عین حال نیرو بخش و قندش قند بسیار خوبی است که مقوی قلب است و سبب بهبود وضع فشار مایعات بدن می‌شود. کمی و زیادی فشار خون را علاج می‌کند و امراض کبدی را معالجه می‌کند (۲۴). خواص عسل که مهم‌ترین ویژگی که عسل را به عنوان یک دارو از سایر داروها تمایز می‌سازد نداشتند عوارض زیان‌آور جانبی بر سایر اندام‌های بدن است بلکه بر عکس، حال عمومی سایر دستگاه‌ها را نیز بهبود می‌بخشد. این عامل در کوتاه‌کردن زمان بیماری و سرعت درمان موثر است (۲۶).

**عسل و بیماری قلبی:** طبق آنچه در روایات آمده عسل به قلب نشاط می‌بخشد عسل به علت داشتن گلکوز سهل التجزیه و انرژی‌زا است و تاثیر مهمی در تحریک و تقویت عضلات قلب دارد (۲۷).

**عسل و بیماری‌های گوارشی:** عسل به علت داشتن بعضی آنزیمه‌ها به هضم غذا کمک می‌کند. مثل لیاز، آمیلاز و ساکاراز و از شدت اسید معده می‌کاهد و می‌تواند در افراد مبتلا به ترش کردن (رفلکس) موثر باشد. برای زخم معده و التهاب آن نیز مفید است (۲۸).

«متربنیگ» دانشمند زیست‌شناس می‌گوید: «همین امروز اگر زنبور عسل (اعم از وحشی و اهلی) از بین بود یکصد هزار نوع از گیاه‌ها و گل‌ها و میوه‌های ما از بین خواهد رفت و از کجا که اصولاً تمدن ما از بین نرود؟»؛ زیرا نقش زنبوران عسل در جا به جا کردن گرده‌های نر گل‌ها و بارور ساختن گیاهان ماده و به دنبال آن پرورش یافتن میوه‌ها آن قدر عظیم است که بعضی از دانشمندان حتی آن را از عسل سازی زنبوران هم مهم‌تر می‌دانند. این سخن او اهمیت تعبیر قرآن را آشکارتر می‌سازد (۲۳). آثار و خواصی که برای عسل در روایات بیان شده، با داده‌های پزشکی روز قابل اثبات است. مثلاً طبق آنچه در روایات آمده که عسل به قلب نشاط می‌بخشد و حافظه

درد را تسکین می دهد؛ **محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ایه عن احمد بن محمد بن ای نصر عن ای الحسن الرضا** **قال التین بذہب بالبخار و یشد النظم و بینت الشعر و بذہب بالداء و لا يحتاج معه إلى دواء** و قال التین أشیه شیء بینات البجنة. قال الکلینی و رواه سهل بن زید عن احمد بن الاشعث عن احمد بن محمد بن ای نصر أيضاً مثله أقول و رواه البرقی فی المحسن عن احمد بن محمد بن ای نصر<sup>(۳۰)</sup> (۷-۳۰) نیز محدث حر عاملی باسی تحت عنوان مداوی به انجیر و درمان مفاصل «باب التداوى بالحلبة و التین» باز نموده و از امام موسی کاظم (ع) روایت می کند که: «**محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی عن بکر بن صالح قال سمعت ابا الحسن الاول ع يقول من الرحى الشابك و الحام والبردة في المقابل تأخذ كف حلبة وكف بين يابس تغمدهما بالملاء و تطعنهما في قدر نظيف ثم تصفي ثم تبرد ثم تشربه يوما و تغب يوما حتى تشرب منه تمام أيامك قدر قديح روى**<sup>(۷)</sup>».

سد این روایت صحیح است و مشابه آن نیز روایات فراوانی وارد شده است و از نظر دلالت نیز باید گفت که انجیر میوهای خوش طعم و مغذی است. مواد غذایی موجود در انجیر عموماً برای سوخت و ساز بدن ضروری است. مصرف انجیر «بدن را نیرومند و صورت را با طراوت می کند و عضلات را نشاط می آورد»<sup>(۳۵)</sup>. انجیر به جهت داشتن فسفر و کلسیم، در پرورش هوش و حافظه بسیار موثر است و بهترین میوه برای بیماران عصبی و افراد تندر مزاج است. خوردن این میوه به جهت اینکه باعث افزایش ادرار و عرق می شود سmom و مواد زاید بدن را دفع می کند، بوی بد دهان را نیز بر طرف می کند و برای تقویت لتهها لازم است<sup>(۳۶)</sup>.

**۸. زیتون:** زیتون برای تقویت قوه باه و دفع باد جسم موثر است. نیز روغن زیتون موجب از بین رفتتن خشم و غضب می شود، چنانکه امام رضا (ع) فرمودند: «روغن و طعام آن غذای خوبی است زیرا موجب پاکیزگی دهان و از بین رفتتن مواد و ترشحات بلغمی می شود، رنگ چهره را مصضا و روشن و اعصاب را تقویت می کند و حالت خستگی و بی حالی و ناتوانی را از بین می برد. حالت خشم و غضبناکی را خاموش می کند. همچنین موجب دور شدن میکروب می شود»<sup>(۱۵)</sup>. پیامبر (ص) فرمودند: «کسی که از آن (روغن زیتون) بخورد و با آن روغن مالی کند شیطان (میکروب) تا ۴۰ روز به او نزدیک نمی شود»<sup>(۷)</sup>.

ثقه الاسلام کلینی در کافی شریف و به تبعه او محدث حر عاملی در وسائل الشیعه باسی تحت عنوان «**باب الریت و الزیتون**<sup>(۷-۳۰)</sup>» گشوده و در خواص زیتون و روغن زیتون روایات فراوانی آورده اند. تنها در کافی هفت حدیث نقل نموده که برخی از آنها از نظر سند موقته می باشد. به عنوان نمونه: «**عده من أصحابنا عن احمد بن ابی عبد الله عن یعقوب بن زید عن یحیی بن المبارک عن عبد الله بن جلله عن إسحاق بن عمار أو غيره قال قلت لابی عبد الله ع إلهم يقولون الزیتون بهيج الرياح فقل إن الزیتون يطرد الرياح**، نیز «**محمد بن یحیی عن عبد الله بن جعفر رفعه قال أبی عبد الله ع الزیتون بزید فی الماء**»<sup>(۳۰)</sup>. از نظر دلالت، علم پژوهشکی این داده های حدیثی را تایید می کند، چرا که زیتون یک ماده غذایی بسیار ارزشمند است که مقدار زیادی چربی، پروتئین و آهن و فسفات را در خود دارد. همچنین از نظر ویتامین های D A, B, C و پتاسیم، کلسیم، منیزیم، روی و به مقدار کمتری

در لیتر است که شامل سدیم، پتاسیم، کلسیم، منیزیم، روی و به مقدار کمتری منگنز، مس، آهن، فلور، کلراید، گوگرد، فسفر، برم، آرسنیک است<sup>(۲۶)</sup>. شیر بهترین منبع برای کلسیم است وجود کلسیم برای رشد استخوان ها و استحکام آن ضروری است. وجود کلسیم تنها برای استخوان ها و دندان ها و موها لازم نیست بلکه برای محکم کردن عضلات نیز وجودش لازم است مخصوصاً برای عضلات قلب که دائم در حال حرکت می باشند.

**خواص درمانی شیر:** شیر به عوامل بیماری های خطراک و عفونی اجازه نشو و نمو و فعالیت نمی دهد. مسکن اعصاب و تقویت کننده حافظه است. شیر عامل زیبایی و سلامت انشان است<sup>(۲۶)</sup>. شیر گاو کثیر الغذا و برای درمان افراد سرد مزاج مفید است. مولد خون و تقویت کننده قلب است. تن را فربه می کند. غم و غصه را از بین می برد<sup>(۲۶)</sup>. شیر شامل انواع بیتانین C و بیتانین P و بیتانین A, E و بیتانین D در شیر نسبتاً بیشتر است<sup>(۲۶)</sup>. رسول اکرم (ص) راجع به شیر فرمودند: «**سید الاشریه اللین؛ جزو سور نوشیدنی ها شیر است**». همچنین فرمودند: «**بر شما باد به مصرف شیر زیرا حرارت را از دل و اندرون پاک می کند همان طور که انگشت، عرق پیشانی را پاک می کند و محکم می کند ستون فقرات را و موجب فروزنی رفتن فراموشی می شود**<sup>(۱۵)</sup>.

**تغذیه کودک با شیر مادر:** کودک در آغاز تولد تا بایان سال دوم زندگی در حال رشد است. از سال دوم به بعد اندکی از این سرعت کاسته می شود و مجدداً در نزدیکی بلوغ، رشد سریع می شود. مناسب ترین غذا برای کودک در ۴-۵ ماه اول زندگی شیر است زیرا ترکیب آن و خواص موادی که در آن است همان است که طفل شیرخوار به آن نیاز دارد<sup>(۳۱)</sup>. شیر روزهای اول بعد از تولد آغوز یا مان نام دارد که زرد رنگ و بسیار مغذی است. شیر مادر از بروز بیماری های حساسیتی می کاهد<sup>(۳۲)</sup>. شیر مادر آلوگی میکروبی ندارد و به جوشاندن نیازی ندارد<sup>(۳۱)</sup>. پیشکان امروزه به این مطلب رسیده اندکه برای جلوگیری از پوسیدگی دندان ها در آینده، کودک باید از شیر طبیعی مادر تغذیه کند زیرا گذشته از این که شیر مادر تمام موارد مورد نیاز رشد دندان ها مانند کلسیم و سایر ویتامین ها را در بر دارد تغذیه با شیشه پستانک موجب می شود که سطح بین دندان ها دچار پوسیدگی گردد<sup>(۳۳)</sup>. شیر مادر تنها ماده غذایی است که ضریب هوشی کودک را ۱ تا ۳ واحد افزایش می دهد<sup>(۳۱)</sup>. از اثرات معنوی شیر، زیاد کردن عقل و از بین بردن غم و غصه می باشد.

**۷. انجیر:** پیامبر (ص) فرمود: «**خوردن انجیر در درمان قولنج و درمان بواسیر و نقرس موثر است؛ و قال ص اکل التین أمان من القولنج**»<sup>(۴)</sup>. پیامبر (ص) در مورد مصرف انجیر فرمودند: «**انجیر، چه تازه و چه خشک آن را بخورید زیرا موجب قواه جنسی و قطع شدن بواسیر می شود و همچنین برای نقرس و دردهای رماتیسمی مفید و سودمند است**<sup>(۱۵)</sup>. انجیر از نظر معنوی موجب رقت قلب می شود، در حدیثی در این زمینه آمده است: «**هر که خواهد رقت قلب پیدا کند به خوردن انجیر ادامه دهد**»<sup>(۳۴)</sup>. ثقه الاسلام کلینی در کافی شریف و به تبعه او محدث حر عاملی در وسائل الشیعه باسی تحت عنوان «**باب التین**» گشوده و در خواص انجیر روایت نقل نموده اند که: «**انجیر بخور را زایل، لب و استخوان را مستحکم، رویش مو را تقویت و**

ابن بن عثمان عن موسى بن العلاء عن أبي عبد الله ع قال لَمَّا حَسِرَ الْمَاءُ عَنْ عَظَامِ الْمُوْتَى فَرَأَى ذَلِكَ تُوحُّ عَجِزًا شَدِيدًا وَ اغْمَمَ لِذلِكَ قَائِمًا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ إِلَيْهِ هَذَا عَمَلُكَ بِنْفِسِكَ أَنْتَ دَعَوْتَ عَلَيْهِمْ فَقَالَ يَا رَبَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ إِلَيْهِ أَنْ كُلُّ الْبَنْبَ الْأَسْوَدَ لِيَدْهَبَ غَمْكَ» (۳۰). در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده انگور خشک شده یا کشمش طائف موجب تقویت اعصاب و از بین رفتن حالت خستگی و مربیضی و نیز موجب خوش طبی تنفس می شود (۷). خوردن انگور موجب شادی و نشاط می شود. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده کشمش به علت گلوكز فراوان و خالص خستگی را تن بیرون می کند. همچین از ایشان نقل شده که پیامبر از پیامبران خدا (و در روایتی دیگر حضرت نوح) شکایت کرد از غم و حالت افسردگی پس خدای عزوجل به او امر کرد به این که انگور بخورد (۳۸). ثقة الاسلام کلینی در کافی شریف بایی تحت عنوان «بابُ الْعِنْبِ» گشوده و شش حدیث منسد آورده است که برخی موقنه و صحیحه می باشد (۳۰). بنا بر این سند این احادیث مشکلی نخواهد داشت.

و اما در تحلیل دلالت آن و مطابقت آن با داده های علم پژوهشی باید گفت که انگور رسیده میوه مفیدی در درمان بیوستها، التهاب معده و روده، سیاه سرفه، سل ریوی، احتقان کبد و طحال، کم خونی و نقرس است ولی باید توجه داشت از انگوری استفاده شود که پوست نازک داشته باشد؛ زیرا پوست زخیم انگور به تهابی قابل هضم نیست. انگور سه اثر موثر و مفید در مزاج دارد: مسهل، ملین و پاک کننده خون و مغذی بدن است. آب انگور قوا را تجدید می کند و ترشیدگی معده را بر طرف می سازد. انگور علاوه بر اثرات جسمی نظری پاک کننده معده و خون، دارای اثرات معنوی از جمله از بین رفتن غم و غصه نیز می باشد (۲۶).

۱۱. **انار:** خوردن انار دباغ کننده معده است، پیامبر (ص) فرمود: «بَرْ شما باد انار و پی آن را هم بخورد که آن دباغ کننده معده است، هیچ دانه ای از آن در درون شما قرار نمی گیرد مگر اینکه قلب نورانی می شود و چهل روز انسان را از سوسوه شیطان حفظ می کند» (۴). نیز از امام علی (ع) مشابه این روایت نقل شده است و افزووده است که به کودکان انار بخورانید که قدرت تکلم آنها سرعت می بخشند (۳۸). امام رضا (ع) خوردن انار شیرین را موجب نیرومندی جسمی و نیز خوش رویی فرزند دانسته است (۱۱). همچنین خوردن انار از بعد معنوی موجب نورانیت قلب و طرد شیطان می شود. انار یکی از میوه هایی است که تمام قسمت های آن برای انسان قابل استفاده است. وجود ماده غذایی به نام تانن موجود در انار برای استحکام معده مفید است. وجود ماده غذایی به نام تانن موجود در انار برای انسان از قسمت های گروه B. املاح، منیزیم و پتاسیم ارزش غذایی آن است. وجود ویتامین های گروه C. دارای انداماتان اثراست. این انداماتان از مجموعی و مفتوح بودن آن می افزاید. آب انار در بیماری های دستگاه ادراری و صفاروی مفید است. قبل از ابداع داروهای شیمیایی و جدید ضد انگلی از قسمت های مختلف انار به خصوص پوست ریشه آن در دفع کرم کدو استفاده می شد (۳۹).

### بحث و نتیجه گیری

چنانچه مشاهده شد، روایات طبی از نظر میزان درجه اعتبار منبع و استناد دارای مراتب مختلف اند. برخی از روایات طبی دارای صحت سند می باشد و در منابع اصیل نیز آمده است. در این پژوهش با محوریت کتاب ابوالعباس

**فوائد روغن زیتون:** مصرف روغن زیتون، فشار خون را پایین می آورد به همین علت پایین ترین میزان مرگ و میر در کشورهایی است که روغن زیتون استفاده می کنند. مصرف منظم زیتون تسکین بیماری روماتیسم می شود. همچنین روغن زیتون صfra بر است و باعث تخلیه کیسه صfra می شود و از ایجاد سنگ های صfra جلوگیری می کند. مادرانی که روغن زیتون استفاده می کنند نوزادان آنها از نظر قد، وزن و رفتارهای روانشناسی بهتر هستند. روغن زیتون با کمک به جذب کلسیم باعث رسوب آن در استخوان ها و مانع پوکی استخوان می شود. روغن زیتون که از میوه زیتون استخراج می شود در مقایسه با روغن های دیگر ارزش غذایی بیشتری داشته و مزه بهتری دارد. ویژگی مهم این روغن آن است که اسیدهای چرب داخل آن اشیاع نیستند و مانع از بالا رفتن کلسترول خون می شوند (۲۶).

**۹. خرما:** پیامبر اعظم (ص) فرمود: «بَهْ زَنِي كَهْ بَجَهْ بَهْ دَنِيَا أَورَدْ نخستین چیزی که آن زن می خورد رطب و خرمای شیرین باشد، زیرا که اگر بهتر از آن چیزی بود، خداوند به مریم وقی عیسی را به دنیا آورد، می داد؛ إِذَا وَلَدَتِ الْمَرْأَةُ فَلَيْكُنْ أَوَّلُ مَا تَأْكُلُ الرُّطْبَ الْحَلْوَ وَ السَّمَرَ فَإِنَّهُ لَوْ كَانَ شَاءَ أَفْضَلَ مِنْهُ أَطْعَمَهُ اللَّهُ تَعَالَى مَرِيمَ حِينَ وَلَدَتْ عِيسَى (ع)». نیز رطب را بهترین طعام دانسته که صائم، افطار را با آن باز نماید و سحری را با آن شروع نماید: «نِعَمُ السَّسْحُورُ لِلْمُؤْمِنِ التَّمَرُ» و «مَنْ وَجَدَ التَّمَرَ فَلَيُقْطِرْ عَلَيْهِ وَ مَنْ لَمْ يَجِدْ فَلْقُطِرْ عَلَى الْمَاءِ فَإِنَّهُ طَهُورٌ» (۴). در این زمینه روایات به صورت متضارف بلکه متواتر وارد شده است و ما را از بحث سند شناسی بی نیاز می نماید.

اما از نظر دلالت و محتوا نیز علم طب، مساند و معاضد آن است. تحقیقات شان می دهنند که ترکیبات فعالی در خرما وجود دارد که می تواند با تقویت عضلات رحمی در آخرین ماههای بارداری، اتساع این عضلات را در حین وضع حمل تنظیم کرده و از سویی دیگر با کاهش میزان خونریزی هنگام زایمان، از دردها و بسیاری دیگر از عوارض زایمان بکاهد (۳۷). در خرما موادی یافت می شود که باعث کاهش فشار خون زائد برای مدت کوتاهی می شود و این امر به کاهش میزان خونریزی زین زایمان و پس از آن منجر می گردد (۲۶). استاد شهید پاکنژاد می نویسد: «خرما در کشورهای مختلف به خصوص در مناطق خشک پرورش می یابد و دارای مقادیر زیادی پتاسیم، سدیم، کلسیم، منیزیم، آهن، مس، فسفر و کوگرد است (۲۳). فordan پتاسیم موجب بروز زخم معده می شود. برخی از خستگی ها و سردردها در اثر کمی سدیم است. خرما دارای ویتامین های C و دارای قند و سلولز و املاح مدنی است و به علت داشتن منیزیم ضد سرطان است. مصرف خرما در زنان باردار موجب تمیز شدن روده بزرگ می شود. تمیز بودن روده ها به ویژه روده بزرگ، زایمان را آسان تر می کند (۲۵).

**۱۰. انگور:** پیامبر از میوه ها، انگور و خربزه را دوست می داشت: «كَانَ النَّبِيُّ يُحِبُّ الْفَاكِهَةَ الْبَنْبَ وَ الْأَطْبَيْخَ». پیامبر (ص) انگور را بهترین میوه دانست: «خَبَرُ فَاكِهَتِكُمُ الْبَنْبُ» و فرمود: «بِهِارَ امْتَنَ انْگُورَ رَا دَانَهَ بَخُورِيَدَ كَهْ گَوارَاتِرَ است؛ كُلُّ الْبَنْبَ حَيَّةٌ فَإِنَّهَا أَهَنَّاً». نیز فرمود: «نوح از غصه به خدا شکایت کرد به او وحی شد که انگور بخورد که انگور غصه را از بین می برد؛ شَكَأُنُوح إِلَيْهِ تَعَالَى الْعَمَّ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ يَأْكُلُ الْبَنْبَ فَإِنَّهُ يَذْهِبُ الْعَمَّ» (۴). همین روایت را کلینی با سند چنین آورده است: «عَنْهُ عَنِ الْقَالِمِ الْرَّيَّاتِ عَنْ

علمی هم آن را تایید می کند. لذا می توان دریافت که آموزه های حدیثی قابلیت تعمیم در همه زمان ها و مکان ها را دارد و می تواند برای ارتقای سلامت مورد توجه قرار گیرد. نیز این احادیث نشانگر اعتجاز علمی احادیث معصومین (ع) در این گستره می باشد.

مستغفری روایات واردہ در این باب به چهار دسته تقسیم شده و سپس احادیث دسته چهارم مورد تحلیل قرار گرفت. در نتیجه می توان گفت که احادیث درمانی در خصوص استشفای به عسل، شیر، انجیر، زیتون، خرما، انگور و انار از لحاظ سند رجالی و دلالت درایی مورد وثوق می باشد و یافته های

## References

1. The holy Quran, Surah Yonus, Verse 57.
2. 7Ali ibn Musa (A.S.), Imam VIII, Alresalate Zahabiah. Attributed to Imam Ali Ibn Musa al reza. Qum: Khayam Publication, 1402; 13. [Arabic]
3. Ibn Babawaih, Muhammad ibn 'Ali. Man lā yahduruhu al-Faqīh. Tehran, Elmiah Eslamiah Publications, 1992; 368: 4. [Arabic]
4. Mostaghfari, Jafar Ibn Muhammad.Teb-al-Nabi.Qum: Razi Publications 1983; 15: 13. [Arabic]
5. Mostaghfari, Jafar Ibn Muhammad.Teb-al-Nabi and Teb-al-Sadegh, The way to health in Islam; Tehran, Maraghi, M, Translator, momenin, 2002. [In Persian]
6. Makarem Shirazi N. Tafsir nemooneh. Tehran: Dar-al-kotobe islamiah; 1995. [In Persian]
7. Horr Ameli, Mohammad ibn Hosein. Wasā'IL al-Shī'a, Qum, Al-albeit Publications, 1993. [Arabic]
8. Mostaghfari, Jafar ibn Muhammad, Khalili, Mohammad, Teb-al-Nabi and Teb-al-Sadegh, <http://www.ghadeer.org/Book/537/89402>
9. Aqa Bozorg Tehrani, Mohammad Mohsen. Al zorriate Ela Tasanif Al shiat. Qum: 3 Ismailian Publications, 1987 (Lunar Hegira year); 10: 46. [Arabic]
10. Dinparast M, Heritage Izutsu, All the Wisdom and Nowledge <http://www.ettelaathekmatvamarefat.com/new/index.php>
11. Majlesi, Mohammad Bagher Ibn Mohammad Taghi, Bahar-al-Anvar.: Lebanon: Beirut Alvafa Institute; 1983. [Arabic]
12. Nasiri Ali. Genealogy of Medical Hadiths. Pazhouhesh name-ye quran VA hadith 2006; 4: 142. [In Persian]
13. Ibn Babawaih, Muhammad ibn 'Ali. Al-khesal.Qum: Jameatal Modarreseen Publications 1982; 2: 623-511. [Arabic]
14. Ibn Babawaih, Muhammad ibn 'Ali, eteghadat, Al-Imam Al-Hadi Publications, 2012, 142-143. [In Persian]
15. Noori, hussain ibn e Mohammed Taqi. Mostadrak Al-Vasael. Qum: Al-albait Publications 1987; 16: 224, 453, 366, 370, 374, 440, 365. [Arabic]
16. Ibn Shobeh Hassan Ibn Ali. Tohaf alqol an Al Alrasoul. Qum: Jamea-al-Modareseen Publications 1983; 187-215. [Arabic]
17. Ibne Abi Jomhoor Muhammad ibn Zeynoddin Awali al -laali al -aziziye fi al -ahadith al diniye4 volumes. Qum: Seyed-al-shohada Publications 1984; 193. [Arabic]
18. Ibn Babawaih, Muhammad ibn 'Ali Elal-al-Sharaye. Qum: Maktab-al-davari publications 2006; 1: 98. [Arabic]
19. Majlesi. Bahar-al-Anvar.: Lebanon: Beirut Alvafa Institute 1983; 63: 295. [Arabic]
20. Tabarsi Fazl Ibne Hassan. Majma-al-bayan fi Tafsir-al-Quran. Tehran: Naser Khosro Publications 1993; 6: 574. [Arabic]
21. Jurjani Abu al -fath ibn makhdoom. Tafsir shahi fi ayat al-'ahkam. Tehran: Navid Publications 1983; 2: 546. [In Persian-Arabic]
22. Qumi Abbas. Safinah-al-Bahar. Mashhad: Astane Ghodse Razavi Publications 1995; 2: 190. [Arabic]
23. Pak Nejad Reza. First University, Last prophet, Tehran, Islamiah bookseller 1969; 5: 130, 55; 7: 69. [In Persian]
24. Ahmad Amin. Islam Doctors without Medication. Qum: Islamic Publications Office 1997; 1: 119-123. [In Persian]
25. Maarefat Mohammad Hadi. Al-Tamhid Fi Ulum Al-Quran. Qum: Nashr al-Islami 1996; 6: 175-176. [Arabic]
26. Fattahi, maasoum, H, Zarvandi, M., Nutrition in Islam and Medicine; Mashhad: Beh Nashr 2004. [In Persian]

27. Fathi Yosof. Nectar of the flowers and the Qur'an. 3<sup>th</sup> National Conference on Mental Health Quran and medicine according to the Quran, Sunnah and medicine, 2008, Mashhad.Isfahan Ghaemiyeh. 2009; 1: 119. [In Persian]
28. Abzan Ahmad. Nutrition from the view of Qur'an, Sunnah and medicine. 3<sup>th</sup> National Conference on Mental Health Quran and medicine according to the Quran, Sunnah and medicine, 2008, Mashhad.Isfahan Ghaemiyeh 2009; 4: 310. [In Persian]
29. Najjari Rohollah. Honey, colorful healing. 3<sup>th</sup> National Conference on Mental Health Quran and medicine according to the Quran, Sunnah and medicine, 2008,Mashhad.Isfahan Ghaemiyeh.2009; 4: 348. [In Persian]
30. Koleini Mohammad Ibn Yaqub. Alkafi. Tehran: dar-al-kotob Islamiah, 1986. [Arabic]
31. Isfahani, MM, [et.al...]. Rules of health, Tandis 2004; 311-349. [In Persian]
32. Nouri Shadkam, Mahmoud .Quran and Tebbe Novin. Tehran: dar-al-kotobe Islamiah 1999; 348. [In Persian]
33. Biazar Shirazi Abdolkareem. A New Treatise of Medical Jurisprudence. Daftare Nashre farhang-e Islami; 1996; 1: 114. [In Persian]
34. Tabarasi, Hassan Ibne Fazl. Makarim Al-Akhlaq. Qum: al-Sharif al-Radi Publications 1991; 173. [Arabic]
35. Khalili Mohammad, Tehrani Amir Sadeghi. Teb-al-sadegh. Translation and commentary of Nasir Amir Sadeghi Tehrani Tehran: Atai press institute 1966; 133-134. [In Persian]
36. Dankob M A, Nora M.The importance of breastfeeding in the Qur'an and Islam, Neonatal Pediatric Nutrition Congress,Mashhad, Mashhad University of Medical sciences. 2008 [In Persian].  
<http://congress.mums.ac.ir/erepository/archive/131/papers/58186>
37. Milani Bonab A, Bagheri Nasami N, Hoseinzadeh Shamsi, M. The effects of dates in reducing delivery pain and facilitating the delivery. 3<sup>th</sup> National Conference on Mental Health Quran and medicine according to the Quran, Sunnah and medicine, 2008,Mashhad.Isfahan Ghaemiyeh.2009; 4: 298.
38. Koleini. Mohammad Ibn Yaghoub, Alkafi. Tehran: Darolketab islamiah 1986; 6: 351-354. [Arabic]
39. GharahZadeh Z. Energy-producer fruits in Qur'an, selected from Tayeb foods from the view of Qur'an and medicine 3th National Conference on Mental Health Quran and medicine according to the Quran, Sunnah and medicine, 2008, Mashhad.Isfahan Ghaemiyeh 2009; 4: 226 [In Persian].



## Content and documentary validation of medical hadiths of Mostaghfari's Teb-al-Nabi (PBUH)

---

Received: 1 May 2015

Accepted: 16 Jul 2015

---

### Abstract

Hosseini Karnami SH (PhD)<sup>1\*</sup>

1. Department of Islamic Theology, Mazandaran University of Medical sciences, Sari, Iran

**\*Corresponding Author:**

**Hosseini Karnami SH,**  
Department of Islamic Theology,  
Mazandaran University of Medical sciences, Sari, Iran

**Tel:** +98 11 33543615  
**Fax:** +98 11 33543615  
**Email:** hosin.hosini@gmail.com

**Introduction:** Having attention to medicine by the leaders of Islam made Moslems pay attention to the medical science and write books about it. One of the oldest books in this regard is Teb-al-Nabi by Mostaqfari. The aim of this article was to study the documentation and authenticity of the above-mentioned book and compare its findings with the findings of medical sciences.

**Methods:** This study is a qualitative, descriptive and analytical and the data collection method is based on library research and surveying into the medical hadiths in this book. Then, the teachings of the Hadiths are compared with findings in the medical science.

**Findings:** findings of the study show that the hadiths in this book can be classified into four categories, namely rules of eating and drinking, introduction of solid and liquid foods appropriate to physical health, disease prevention and curing of the diseases. The study of the authenticity of the above mentioned hadiths shows the teachings of hadiths in the above-mentioned areas are not related to Nabavi era, and can be extended to several ages and places and even in this era they can be used to improve the health of the society.

**Conclusion:** This study shows that medical hadiths about the curing effects of foods such as honny, fig, olive are well accepted and valued in terms of documentation and authenticity and scientific findings also confirm the findings of this study.

**Keywords:** document analysis, content analysis, medical hadiths, teb-al-Nabi by Mostaghfari

---